

به طبقه کارگر هشدار می دهیم

خلیج فارس را، منطقه جنگی اعلام کرده و با این تصمیم شیطانی، هزینه حمل و نقل کالا به مقصد بنادر جنوبی ایران را یکباره افزایش بخشیده است. کارتر با تهنیت به این تصمیم دوزخی امریالیسم برادر، به مردم آمریکا نودده پند که بزودی ایران از واردات کالای غسرب محروم میگردد و فشار اقتصادی عملی میشود.

در شرایطی این چنین که امریالیستها می خواهند مردم استقلال طلب و آزادیخواه ما را برای فقدان ویا کمبود مواد ضروری زندگی به زانو در آورند، ضد انقلاب داخلی، از جمله عدای طبقه در صحنه ه

در میان اقتصاد مردم است. به کارگران آگاه هشدار می دهیم که در این دام نیفتند.

آمریکای پلید قصد دارد کشور ما را در محاصره اقتصادی قرار دهد. کارتر میخواهد مانع از صدور مواد غذایی و صنعتی به کشور ما شود. امریالیسم انگلیس که از انقلاب مازیان دیده است، منطقه

های کارگری، با جلوگیری از یاسازی و بطور کلی با بی توجهی و بی اعتنائی به خواستهای منطقی کارگران، یکسک هف را دنبال میکند، و آن نارضی ساختن کارگران، و ادا کردن آنان به اعتصاب و تجمن و کم کاری و در نتیجه کاهش تولید داخلی، ایجاد کمبود کالا و بیاشیدن بقدار ضایعی

بیکاری تهدید کنند. زیرا این روزها بازوی کار درخیا با نهار فر اوان است.

کارفرمایان با احتکار مواد اولیه و خام، با کار شکنی در پرداخت حداقل دستمزد، حق مسکن، حق اولاد، حق خواربار، با جلوگیری از تشکیل سندیکاهای کارگری، با جلوگیری از انجام وظایف شورا-

کارگران روگردان نیستند، ارتش بیگاران که شمار آن از میامون متجاوز است، درخیا با نهار موج میزند. وجود این ارتش پر شمار بکارفرمایان امکان داده است که کارگران را در بدترین و دوزخی ترین شرایط بکار وادارند و اگر کارگران در اعتراض موضع خود دبر آورند، آنان را با خراج و

انقلاب باید از شیوه های ضد کارگری عده ای از کارفرمایان کارخانه ها و مؤسسات تولیدی یاد کرد، که هنوز رویای یغما بری های بی حساب گذشته را در سر می پروانند و بدین جهت سرآشینی با انقلاب ندارند. این گروه از هیچ اقدام شیطانی برای ایجاد نارضایتی در میان

ضد انقلاب جان تازه یافته است. صدای ناوگانهای جنگی آمریکا با این مار فسرده از سرما، دم گرم دمیده است. هر چه گامهای آن حواسی نزدیکتر بگوش میرسد، ضد انقلاب در دسیسه، توطئه و خرابکاری شوق و ذوق تازه میابد. در زنجیره توطئه های ضد-

به هشدارهای جدی ما باید توجه شود چهره های ضد انقلاب را افشا کنیم

هیئت ویژه کردستان، طبق رهنمود امام، آمادگی خود را برای دادن حق خودگردانی به همه مردم ایران اعلام کرد

هیات ویژه کردستان، پس از مذاکرات مقدماتی که بعمل آورد، برای دادن حق خودگردانی به همه مردم طبق رهنمود امام آمادگی خود را اعلام داشت. مبنای این اقدامات هیات ویژه پیام تاریخی رهبر انقلاب امام خمینی است که خواستهای برادران کرد را خواستهای خودشان اعلام کردند و دولت جمهوری اسلامی را موظف و متعهد به دادن حق اداره امور داخلی و مجلسی به همه خلق های ایران نمودند.

پیام امام مورد استقبال پر شور همه نیروهای راستین انقلاب واقع شد و اقدامات هیات ویژه در این زمینه تحولی ایجاد کرد.

در صفحه ۲

کلیه قراردادهای امتیازی نفت و در راس آن قراردادهای نفتی کنسر سیوم باید لغو گردد

کارکنان شرکت نفت ایران با ن امریکن (ایپاک) ضمن ارسال نامه ای بدفتر مردم، تقوی فوری قرارداد امتیازی نفت بین شرکت ملی نفت و کمپانی نفتی امریکایی «ایپاک» امریکن پترولیوم کورپوریشن را خواستار شده اند.

قرارداد نفتی این شرکت، در ۱۵ خرداد ۱۳۳۷ منعقد شده و طبق آن ۱۶ هزار کیلومتر مربع اراضی نفت خیز فلانت قاره ایران به امتیاز این شرکت امریکایی داده شده است.

قرارداد «ایپاک» از جمله قراردادهای معروف ۲۵۷۵ بود که شاه دودوران سلطنت خاندان خود، به انعقاد پیش از یکدیگر و چون از آنها اقدام نمود. در حالیکه این قراردادها تماماً بنسرد ایران بود، شاه ادعا میکرد که گویا قراردادهای مشارکت بود ایران است و گویا او در تقسیم درآمد سهمین کشورهای نفت خیز و انحصارات امریالیستی نفت بدعت تازه ای گذاشته است. این ادعا از پایه دروغ بود. گذشت زمان صحت نظر نیروهای مترقی و بخصوص حزب توده ایران را تأیید کرد که میگفتند قراردادهای جدید نفتی رویه دیگری از همان قرارداد باطل کنسر سیوم نفت است.

با این توضیح مختصر، کاملاً روشن است که این قراردادها «ایپاک» بدستی روی یکی از اسباب حساس در راه ایران از تسلط انحصارات نفت انگت گذاشته و

از استاد افشاگرهای که مدتی جوانان مسلمان پرو و خط امام مستقر در جاسوسخانه آمریکا منتشر ساخته اند، اینک همگان اطلاع دارند، برستی که اسنادی است افشا کننده.

بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد:
پخش روزنامه مردم
ارگان مرکزی حزب، یک وظیفه مقدس اجتماعی است

۳ صفحه
باز هم دو کلمه درباره موضع گیری آقای بازرگان

۴ صفحه
تحریکات در بندر عباس

۲ صفحه
نامه سرگشاده به کانون نویسندگان

۵ صفحه
باز هم درباره ضرورت پاکسازی...

۶ صفحه
تقاضای آبات عظام برای انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان

۶ صفحه
جیب : اسام خمینی شخصیتی استثنائی است

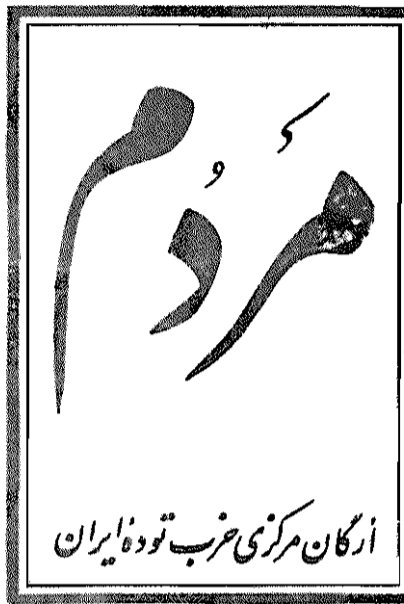
۳ صفحه

اینست ضرورت مبرم روز:
تهیه برنامه مشترک
برای همه نیروهای خلقی

با برنامه سیاسی مشترک، وحدت عملی
پراکنده نیروهای هوادار انقلاب را باید در وحدت مادی و آگاهانه استحکام بخشید.

انقلاب در پیشرفت خود و آزمانی که به پیروزی قطعی و نهایی نرسیده است، ضد انقلاب فشرده ای بدید می آورد. این قانون همه انقلاب هاست، مصداق این قانون اینک در برابر ماست. بهمان نسبت که انقلاب جبهه های خود را وسیع تر میکند، هم مقاومت

دسیسه آمیز ایادی امریالیسم و سرمایه داران بزرگ وابسته و زمین داران بزرگ را شدت می بخشد و هم عناصر سرود، یاران تصادفی دیروز را، که موج های سهمگین انقلاب آنها را بهمان مردم انداخته بود، لبرال ها و محافظه کارانی را بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۱۴
شنبه ۲۰ آذر ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریل

مرگ بر امپریالیسم امریکا! این صدائی است که در برابر جاسوسخانه امریکا قطع نمیشود.



دانشجویان دانشکده امام خمینی در راهپیمایی بسوی لانه جاسوسی امریکا (دیروز بعد از ظهر)



دانش آموزان مدرسه راهنمایی ساراپ در برابر لانه جاسوسی امریکا (دیروز بعد از ظهر)

تمام خلق با دوازده نظام متحد شود

جیب، وزیر دفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام:

امام خمینی شخصیتی استثنائی است

*** دشمن همه ملل جهان امپریالیسم، و در رأس آن امپریالیسم آمریکا است.**

*** بر شماست که برای نیل به نتیجه نهالی انقلاب خود، همه گونه وابستگی به امپریالیسم جهانی را به یکباره قطع کنید.**

*** ماباشد شوروی کاملاً اطمینان داریم.**

*** برای حمایت از انقلاب ایران می توانید به کشور شوروی متکی باشید که در صورت نیاز، به شما کمک خواهد کرد.**

در ملاقاتی که در جریان برگزاری بیستین سالگرد انقلاب الجزایر بین ژنرال جیب وزیر دفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام و دکتر پیری، وزیر خارجه سابق دولت جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، ژنرال جیب در ستایش از انقلاب، اظهار داشت: «شما انقلاب کردید، انقلابی بزرگ که شاید در این مرحله خود به اهمیت آن واقف نباشید. سالهاست که ما منتظر خروش انقلابی مردم ایران در آن نقطه آسیا بودیم. مردم ایران با انقلاب بزرگ خود، اکنون بسوی استقلال و آزادی گام بر میدارند. بر شماست که برای نیل به نتیجه نهایی انقلاب خود، همه گونه وابستگی به امپریالیسم جهانی را به یکباره قطع کنید.»

ژنرال جیب سپس در توضیح سخنانش گفت:

«دشمن همه ملل جهان امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا است. شما انقلاب کردید، انقلابی بزرگ که شاید در این مرحله خود به اهمیت آن واقف نباشید. سالهاست که ما منتظر خروش انقلابی مردم ایران در آن نقطه آسیا بودیم. مردم ایران با انقلاب بزرگ خود، اکنون بسوی استقلال و آزادی گام بر میدارند. بر شماست که برای نیل به نتیجه نهایی انقلاب خود، همه گونه وابستگی به امپریالیسم جهانی را به یکباره قطع کنید.»

جهان ادامه خواهد یافت. ژنرال جیب در توضیح سیاست ضد مردمی و توسعه طلبانه چین اظهار داشت:

«چین هم اکنون دارد به پاکستان کمک میکند و میخواهد از طریق این کشور با دست گرفتن جاده های استراتژیک به ایران برسد.»

امپریالیسم آمریکا با چین ائتلاف کرده است، ائتلافی ناقص بر علیه صلح جهانی. این دو کشور رهبر همه مرتجعین جهانی علیه صلح جهانی، دیکراسی و تفرقات اجتماعی هستند و ائتلاف این دو، یعنی ائتلاف مرتجعین علیه صلح در جهان.»

جیب اضافه کرد:

«ما رهبران توسعه طلب چین را از مردم و ملت چین جدا میدانیم. چین کشوری سوسیالیستی و کمونیست نیست، بلکه ظاهراً کمونیست است که سوسیالیست و کمونیست است، و هم اکنون سیاست تجاوزه گارانه ای را در نقاط مختلف جهان دنبال میکند. اینها (چین) بسوی امپریالیسم جهانی متوجه شده اند. مثلاً برای چینها «هویتو» یک لیدر جهانی است. حتی یادگان هست که چین دست «پهلوی» را فشرده و حتی مینداید که همین کشوراز پیرویه و دیگر مرتجعین حمایت میکند و آنها را متحد خودش میدانند. هدف چین، تنها «توسعه» نیست، بلکه «خاورمیانه و آسیا» هم مورد نظر سیاست تجاوزه گارانه این کشور است.»

ژنرال جیب ضمن تأیید انقلاب ایران اظهار امیدواری کرد که در

فرستی بتواند با رهبر انقلاب، امام خمینی ملاقات کند. او گفت: «ما در ویتنام چگونگی پیروزی انقلاب و رهبری امام خمینی را بررسی و تعجب کرده ایم ایشان شخصیت استثنائی هستند.»

جیب سپس بار دیگر در مورد آمریکا هشدار داد و گفت: «آمریکا دشمن ما، دشمن شما و انقلاب است. آمریکا تنها دشمن بزرگ همه انقلابهای جهان است و بعد از آمریکا چین قرار دارد.»

ژنرال جیب توصیه کرد: «در این مورد و برای حمایت از انقلاب ایران میتوانید به کشور شوروی متکی باشید که در صورت نیاز به شما کمک خواهد کرد.»

وی در ادامه سخنانش گفت: «ما به شوروی کاملاً اطمینان داریم.»

جیب گفت:

«ما در آمریکا و خرید از این کشور واقفانه خطرناک است، سلاح میدهند، بعد برای امتیاز گرفتن یکباره آنها را قطع میکنند. بهر حال ما اطلاعات خودمان را در اختیار شما خواهیم گذاشت.»

جیب سپس از جانب خود، دولت و مردم ویتنام حمایت برآورد و شرط از انقلاب ایران خارج کرد و گفت:

«دولت و مردم ویتنام از انقلاب ایران که درجهت مبارزه با امپریالیسم و آزادی و استقلال کامل مردم شما می باشد، حمایت میکنند و شما میتوانید روی حمایت ویتنام و انقلاب ایران حساب کنید.»

اعلامیه زیر به دفتر مردم رسیده است:

اعلامیه (جبهه متحد خلق آذربایجان)

جبهه متحد خلق آذربایجان ضمن تأیید خواستهای ملی و حقوق مردم زحمتکش آذربایجان، بار دیگر پشتیبانی خود را از رهبری قاطعانه و موضع ضد امپریالیستی رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی اعلام داشته و هر گونه توطئه و اقدام تفرقه انگیز عناصر ضد انقلابی و ضد جمهوری اسلامی را در آذربایجان پشت محکوم می نماید.

«جبهه متحد خلق آذربایجان»
۵۸/۹/۱۸

اصول انقلاب سود میجوید. ضد انقلاب حتی از یک ترق ناراضی، یک اهل و خطا و لغزش سوی در اردوی انقلاب، با یک کلمه یا یک کلمه، یک سوعظ بی موقع در میان نیروهای حامی انقلاب صرف نظر نمیکند.

انقلاب باید حتی از دشمنان خود سرمشق بگیرد. جبهه متحد خلق، یعنی ستاد اصلی انقلاب، در یک برنامه سیاسی مشترک، باید وحدت معنوی و وحدت عمل را در یک وحدت مادی آگاهانه قوام بخشد. همه چیز برای تحقق این ضرورت مهیاست. هم شرایط مادی و هم روحیه، هم ملاک و معیار ریخته و جم یافته برای تعیین دقیق مرز بندی نیروهای انقلاب انضاد انقلاب.

وحدت کلمه را به وحدت عمل برسانید و وحدت عمل را در یک برنامه رسمی و با انگیزه، که فصل مشترک همه سازمانها، گروهها و احزاب ضد امپریالیست و خلقی باشد، تجسم یگانه و فریورمند بخشیم.

ساختن و آباد کردن و بهبود بخشیدن، چیر شدن بر تضام و مشکلات، ریشه کن کردن نهادها و ریشه های کینه بد نظمی، هم جوش میخورند.

در جبهه ضد انقلاب تنوع نیروها، مانع اتحاد نیست، برعکس، ضد انقلاب از این تنوع و رنگارنگی، از این دسترسی به همه جوریج و مهربان مورد نیاز برای بکار انداختن ماشین شیدا و تبلیغات و شربزدن به همه اندامهای

قراردادهای نفتی...

باقیه از صفحه ۱

پان امریکن و مصادره اموال و دارائی های آنرا خواستار شده اند. پان امریکن در مدت بیش از ۳۰ سال فعالیت خود در نفت ایران، صدها میلیون بشکه از نفت ایران را تحت عنوان مشارکت غارت نموده و ذخایر نفتی ایران و درآمد نفتی آنرا از نفت ایران، های به شمار وارد کرده است. پان امریکن با استفاده از امتیازاتی که طبق قرارداد نفتی به آن داده شده بود، گذشته از غارت ذخایر نفت ایران، از تجهیزات گمرکی و اداری بسیاری استفاده سرشار نموده است. جالب اینکه گمرک ملی است که طبق قرارداد، در پایان کار نیز از ماشین آلات موجود و سرمایه گذاریهای قابل فروش در ایران متعلق به آن شرکت خواهد بود. طبق قرارداد «ایپاک»، شرکت آمریکائی باید بتواند عامل شرکت ملی نفت ایران را که شرکت لیکن در مدت بیست سال که از فعالیت پان امریکن می گذرد، شرکت ملی نفت ایران عملگر گذار پان امریکن بوده است.

تنها «ایپاک» نیست که در قدارت منابع نفت ایران در ۳۰ سال گذشته از چنین مزایای بی خودرودار بوده است. کلیه شرکتهای مختلط نفتی همین وضع را دارند و همه آنها، با استفاده از قراردادهای امتیازی نفت، ذخایر کشور را غارت میکنند و زحمتکشان ایران را در صنایع نفت زیر فشار شدیدترین و بی رحمانه ترین استثمار قرار داده اند. استفاده از مزایای که در قراردادهای امتیازی نفت به آنها انحصار نفتی کله کشورهای امپریالیستی داده شده، و تمهید آنها از چندین ده شرکت متجاوز است، تنها مخصوص «ایپاک» نیست، در شرکتهای مختلط لایکو، سیریب، ایپیتیکو و سوپران نیز شوه غارت و استثمار همان شیوه است که از طرف پان امریکن بکار برده شده و می شود. ضمن تأکید بر تسلط کلیه انحصارات نفتی، که از راه قراردادهای امتیازی مشارکت، به نفع ایران است، باید توجه داشت که غارت و دردی از اینان در برابر امتیازات کسریوم بین المللی نفت، رقم ناچیزی را تشکیل میدهد.

مجموعه شرکتهای مختلط نفتی حدود ۱۰ درصد ذخایر نفت ایران را غارت کرده و میکنند، حال آنکه غارتگر ایران کسریوم بین المللی نفت، بیش از ۹۰ درصد ذخایر نفتی ایران را به نفع برد میبرد.

لغو قراردادهای نفتی مختلط امریت ضروری است. لیکن لغو فوری قرارداد باطل کسریوم کار بست ضروری تر است. انحصارات نفتی خارج از کنترل نیز باید از نفت ایران رانده شوند، اما آنچه بویژه از نظر تأمین واقعی استقلال ایران در نفت و تحکیم مواضع انقلاب ایران اهمیت درجه اول دارد، لغو قرارداد کسریوم بین المللی نفت است.

تهیه برنامه مشترک

باقیه از صفحه ۱

کمه از تقویت روحیه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری توده ها پیمانک شده اند، در کنار هم، اما رو در روی خود قرار میدهند.

انقلاب بدینسان خود را منزه میکند، و با این ضعیف می، به استحکام و انسجام درونی خود می افزاید.

اما ضد انقلاب هم با این خانه ننگی انقلاب، با این تجزیه و طرد عناصر ناسباب، از این امر، سبزه گیری جدید میکند و با جادوان ناراضیان و بی وزگان و یاران نیمه راه انقلاب در صغوف خود، هم جبهه خویش را فراختر میکند و هم بسریب نیمی مبارزه می افزاید.

انقلاب برای آنکه بماند، ناگزیر است که پیش برود، زیرا توقف انقلاب، پیش از آنکه وظایف آن سامان یافته باشد، بمنزله مرگ آنست. و انقلاب اگر بخواید پیش برود، یعنی بماند، باید عضوی خارجی ویتنام، خیره ریزهای لبر الیسم سازشکار را از بدن خود دفع کند، تا صحت و سلامت خویش را حراست کند. این خواهی ندوای یک نبرد ضروری طبقاتی است که ضروری آن، یعنی جسدا کردن صفوف دوستان و دشمنان انقلاب نه بر اساس مسلک و آراء مذهبی یا غیر مذهبی، بلکه بر پایه علائق و منافع نیروها و عناصر اجتماعی در ادامه ای توقف انقلاب، بر پایه تالی و گرایش آنها در جهت هجوم سرختری برج و باروهای امپریالیسم و پیاپی گاه های داخلی آن سرمایه داری بزرگوار است و زمین داری کلان. و به تبع راندن و همه لبرال منش ها نیکی که محمل باقره امپریالیسم است، یا سازش و زد و بند با این بلند گان خوش اشتیاق انقلاب، باید انجام پذیرد.

این طبعی ترین و کلاسزترین مرتزبندی است که توده ها پیشاپیش با شمارهای خود و امروز با عمل صریح خویش، بر آن صحنه گذاشته اند.

توده ها در خیابانها و کارخانه ها و مزرعه ها، در برابر جاسوسخانه دشمن اصلی انقلاب، در تظاهرات و راه پیمایی های عظیم و با همضمون، علاجه های نیروهای انقلاب و حامیان آنرا تشکیل داده و به مقابله با جبهه ضد انقلاب، که با وجود زخمهای عمیقی که برداشته، هر روز زخمی خود را بهتر سازمان دهد و فعال تر شود، پرداخته اند. این خلافت و اعیان انقلاب باست که توده ها، هم در مرحله اول نبرد خویش با دیکتاتور ادیمی خود، و هم امروز بدست شمشیر و نجرهای که قطب نمای آنهاست، همگرا نه جبهه خلقی در برابر ضد خلق عملا تشکیل داده اند، تا تنوع و کثرت خود را در جمعی از مردم ترین و اصلی ترین هدفها، به نفعی یگانهای بدل کنند.

این یگانگی نیروهای اجتماعی و طبقاتی باقره متحد و ضمن تمیق انقلاب، حراست از آن در برابر دستبردارها و شیخون دشمنان رنگارنگ و مو تو مخرج که آن برای پیشروی است. این یگانگی، همزده است، هم مشتمل، هم شرط دفاع است، هم وسیله حمله موثر.

محور اساسی اتحاد عمل نیروهای خلقی، آن چیزی است که امروز «خط امام» خوانده میشود و مشخصه اساسی آن جنبه ضد امپریالیستی و خلقی آنست.

تحریریات در بندر عباس

بندر عباس متشخص است. چند روز قبل رئیس آموزش و پرورش بندر عباس ۷۲ مملو با بدون ذکر هیچ دلیل و تنها با تهم «جیب» بودن اخراج و با آنها از خدمت معطلی می سازد.

سازمان حزب توده ایران در بندر عباس طی انتشار دو اعلامیه، ضمن خاطر نشان نمودن ممانعت اینگونه اعمال با اهداف انقلاب ایران، بنفاد مسئول هشدار میدهد که چنین اقدامات تحریک آمیزی بسوء استفاده ضد انقلاب و ایجاد تشنج منجر خواهد گردید و خواستار تو تصمیمات ناچای قلی میشود.

متأسفانه تا این هشدارها تأثیر نمی پذیرد و این اقدامات هشوگ، که گوئی بعد برای ایجاد تشنج انجام گرفته بود، به علت ایجاد زمینه ناراضی در میان مردم، با تحریک عناصر ضد انقلاب، به تظاهرات و اعتراضات دانش آموزان منجر میگردد.

بدنبال بالا گرفتن اعتراضات دانش آموزان، که منجر باشغال آموزش و پرورش میشود، عده ای جماعت بدست به تظاهر کنندگان حمله میکنند و قریب به ۵۰ نفر دستگیر و زخمی میشوند. جماعت بدستان حتی بیمارستان نیز هجوم میبرند و زخمیها را مورد ضرب و جرح قرار میدهند.

حزب توده ایران ضمن محکوم ساختن اینگونه اعمال تفرقه افکنانه و تحریک آمیز از طرف رئیس آموزش و پرورش بندر عباس، کوشش عناصر ضد انقلاب را نیز که میکوشند با تحریک مردم و دانش آموزان تشنج و درگیری موجود را ایجاد کرده تر بخشند، مردم را بیجان نمایند و از آن بسوء خستداده نمودن وحدت ضد امپریالیستی صفوف مردم، بهره گیرند، قاطعانه محکوم میسازد. حزب توده ایران خواستار لغو فوری تصمیمات نادرست متخلف و مجازات معرکان و اخلاک لگران و جماعت بدستان است.

هیئت ویژه...

در ایران کمتر کسی را می توان پیدا کرد که متکرم ملای در دوره طاغوت نسبت به خلق های ایران باشد. تمرکز جسمی آن دوره، بگفته آقای فرهم، «بزرگترین آسیب راه بهریت ملی ما وارد نموده». از این رو نیز یکی از وظایف حاکمان در برابر انقلاب شکوهمند ایران داشت، همانا رفیق ستیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از همه ملیت های ایران و دادن حق اداره امور داخلی و محلی، با باصلاح حیات ویژه، حق خودگردانی به آنهاست. بویژه در این هنگام که همه نیروهای خلق باید متوجه مبارزه با دشمن شماره یک یعنی امپریالیسم آمریکا باشند، این چنین مسئله ضرورت بیشتری کسب می کند. بنا به نظر هیئت ویژه، این حق از طریق شوراها که در قانون اساسی با وجود تقصیرهای آن، پیشینی شده، می تواند پیاده شود.

حیات ویژه اعلام داشته است که آماده است پیرامون این مسئله با همه گفتگو و رایزنی نماید تا بهترین راه را برگزیند.

حزب ما که با استناد موضع اصولی خود، همواره طرفدار حل مسئله از راه دادن حق اداره داخلی و محلی به همه خلق های ایران در جادو جوب ایران واحتمسست بوده است، بار دیگر آمادگی خود را برای پیش کت فعال در این رایزنی و کمک به حل مسئله اعلام میدارد.

چهره های ضد انقلاب...

افشا کننده زاویه های تازه ای از دسیس امپریالیستی شیطان بزرگ ضد امپریالیسم آمریکائی و چگونگی بخدمت گزینستن عناصری که ماها و بلکه ماها نقاب بر چهره میزنند، تا در حسانترین لحظه، ضربه ضد انقلابی خود را وارد سازند و بسود اروپا ب خود خدمت می کنند.

نامه های روشنی در مقدمه مراغه ای تنها در زمان افرست بر ترید بند بالائی است که شیاطین با نکی بخدمت میگردانند، تنها پس از مدتها تظاهر به همکاری با انقلاب و بارهبران و مسئولان امور، تظاهر به اسلام و پیروی از روحانیت، تظاهر به مین دوستی و آزادی خواهی، در تنها نگاه خنجر نیز یک مقدم مرافقای حتی در مراغه ای پس از انقلاب، در مقام هائی چون استاندار آذربایجان شرقی، هوادار سرشناس حزب جمهوری خلق مسلمان و نماینده حمایت شده از طرف این حزب در مجلس خبرگان، با خود نندان ماهیت روابط خانثانه با جاسوسخانه آمریکا، مسئول زمینه جینی برای ضربه زدن و در انتظار فرصت برای توطئه آفرینی بوده است. خود جاسوسان آمریکائی در اسناد افشاء شده، از تفصیل «مقدمه مراغه ای»، گزارش میدهند که او چگونه منتظر فرصت برای پورشی با انقلاب مایوده است و گفته است که «الته و قش خواهد رسید» و آذربایجان متصدد اشاره، او است.

همه ضد انقلابیها، همه کسانی که می خواهند خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب را خفه کنند و بار دیگر سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ و تسلط فارتگری فر و تمدن حمله گس داخلی و امپریالیسم غارتگری خارجی را بکسرتانند، در همین امید واهی هستند که قش خواهد رسید و توطئه میکنند تا قش برسد.

بفرار اطلاعاتی که همین در روز بدست آوردیم، بختیار، این نوکر بی اختیار آمریکاهم در راه ستیامبر یعنی حدود سه ماه پیش به دوستانش «بیام» فرستاده بوده که به زودی و قش میرسد.

اکنون با توجه به توطئه اخیر در تبریز - می توان تردید نداشت که قتل آیت الله قاضی طباطبائی و سایر بندگان دیگر که در آذربایجان زود اتفاق افتاد...

در این چهار گانه و گرانهایی که دانشجویان مبارز پیرو خط امام منتشر ساخته اند، دلیل دیگری بر وحدت و وفایت این هشدار است. نباید گذاشت که کمترین بارقه ای در دل های سیاه و پختیارهای خائن پیدا شود و مقدمه مراغه ایها امکان ادامه فعالیت پنهانی خرابکارانه در زیر نقاب پیدا کنند. با کسان دیگری با سخنان بیهوده و کارهای سنجیده و با بیجا با انقلاب زان بر ساند و عملا آب به آسمان ضد انقلاب بریزند.

هشدار ما جدی است!

مقام استانداری آذربایجان شرقی میتوانست اخلال گری کند، نه در مقام نمایندگی مجلس خبرگان. نه پیش در جلسات حزب جمهوری خلق مسلمان میگرفت، نه کسی برای رهبری اش از نهضت را دنبال (۱) تره خورد میکرد و از همه همتر. شیطان بزرگ نمیتوانست از او و روایتی بسوء خود استفاده کند و توطئه علیه انقلاب بچیند.

هشدار کی که حزب ما در راهم های پس از انقلاب مرتب داده است،

آنها چه پس از زیر نام انقلابی با وابسته های پان امریکن و روحانی دسیس، یا حزب یا گروهی که معتقدان و رهروان صدیق دارند، عمل میکنند. در راه ستیامبر یعنی حدود سه ماه پیش به دوستانش «بیام» فرستاده بوده که به زودی و قش میرسد.

اکنون با توجه به توطئه اخیر در تبریز - می توان تردید نداشت که قتل آیت الله قاضی طباطبائی و سایر بندگان دیگر که در آذربایجان زود اتفاق افتاد...

پخش روزنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب، یک وظیفه مقدس اجتماعی است

می دانند که از فعالیت قانونی حزب ما و انتشار پلانهای روزنامه مردم جلوگیری بعمل آورند. وحشت آنها از اشاعه این ورقه حق گو، وحشت عظیمی است. نیروی پیچیده و سازمانگرا روزنامه مردم آنها را پشت میترساند. اگر نترسیدند، با این کینه علیه آن دست بکار نمیشدند. اگر آنها - آنطور که دعوی میکنند - واقف بر آن بودند که روزنامه مردم مطالب درستی ندارد، در آن صورت ابتدا از آن هراسی بخورد راه نمی دادند. می گذاشتند که این روزنامه خودش، خودش را رسوا کند. ولی آنها، هر چه مردم را نگاه کنند، در اعماق دل خود خوب میدانند که چنین وحش و جنون حقیقت در دست مردم است. بهمین جهت توطئه علیه مردم از وظایف این

روزنامه مردم در دوران پس از پیروزی انقلاب ایران بر رژیم استبدادی گذشته، نقش خود را بعنوان تبلیغ گر و سازمانگر جمعی، یا کامیابی اجرا میکند. این روزنامه، که کارکنان تحریری وفی آن با تلاش شبانه روزی سعی دارند آنرا بشکلی آموزش دهنده، مطلع ساز، شورانگیز و رهنما نشر دهند، هم اکنون جای خود را در میان مطبوعات جدی کشور گشوده است.

زحمتکشان کشور ما می بینند که این روزنامه مدافع بی کبر منافع آنهاست. انقلابیون کشور ما می بینند که این روزنامه در مسیر انقلاب، در مسیر تأمین وحدت کلمه انقلابیون میگوید، رهبری را در جهاد ضد امپریالیستی اش، در جهادش بر ضد مستکبران ایران و جهان پشتیبانی میکند.

مردم ایران می بینند که روزنامه به دروغ و سفیله متوسل نمیشود. خودش را لاف زدن نیست، بسدر نفاق و خصومت نمی یابد. مردم ایران می بینند که روزنامه مردم، مدافع و منادی میهن دوستی اصیل و خادم فرهنگ و تمدن ایران و جهان است. وظیفه همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب در سراسر کشور پهنان و در شهر و ده آنست که با شهادت به پیشش هر چه وسیع تر روزنامه کمک کند و این امر را وظیفه مقدس اجتماعی خود بشمارند.

مانیک می دانیم که اعمال امپریالیسم و ارتجاع و عناصر راستگرا و چپ نادر همه جا حضور دارند. این عناصر متأسفانه در ارگانهای انقلابی مانند کمیته ها، شوراهای واحد و انجمنها انواع سازمانهای دیگر دولتی یا اجتماعی رخنه کرده اند و یکی از وظایف خود را در آن

جاسوسان ضد انقلاب است، که جامعه های مختلف به تن دارند و در مراکز مختلف نشسته اند. وظیفه توده ایها همه یاران صدیق این حزب آن نیست که در قبال توطئه این جوخه ضد انقلابی کمترین تردیدی بخورد راه دهند. باید راه مردم را در میان مردم به بهای مبارزه و فداکاری گشود. بنظر ما، شرایط مساعد اجتماعی و سیاسی برای زندگی عادی روزنامه ما که روزنامه یک حزب عتیق و قانونی است، وجود دارد. باید بر پایای گذشته و آن روحیه ساواک آفریده، که حقیقت این حزب را منکر بود، پائین برداریم. غلبه کرد، نتیجه این برد آن خواهد بود که این جو مسموم بتدریج بر خیزد، فضا برای تنفس عادی حزب و مردم در محیط قانون اساسی جدید، آزاد و عاری از اختناق شود.

حزب به همه یاران خود خطاب می کند و می گوید، در پیش هر چه وسیع تر روزنامه مردم با تمام نیرو، با تمام شهادت، با عزم راسخ علیه هر گونه مانع کمک کنید. اختلالگران و قانون شکنان را با مبارزه خود رسوا و بر ملا سازید. بکوشید تا تسناده خوانندگان روزنامه حقوقی حزب شما، که مدافع انقلاب و رهبری صمیمی و قاطع انقلاب است، در سراسر کشور چند بر این شود و در حقیقت انقلابی در اطراف و اکناف ایران هر چه وسیع تر افشاند شود. از این بگذر نهادهای پرباری بسود سادت جامعه خواهد روید.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱۸

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با مردم مکاتبه کنند

پاریس Ribal Albert BP 7560 75001 Paris France
ایتالیا Shams Via G. Vincon, 44 Ostia (Roma) Tel. 6814022 (TUDEH)
انگلستان P.O. Box 141 London. E 70 PE

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که می خواهند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۵ تا ۷ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند.

نصب آرم تجلیل از شهدای ۱۶ آذر در قله دماوند

لوح افتخار



بزرگنمایا شریعت رضوی قندچی

به مناسبت بیست و ششمین سالگرد آذر (روز دانشجو) تاریخ شهادت شریعت رضوی، بزرگنمایا عضو سازمان جوانان توده ایران و قندچی هوادار مرحوم دکتر مصدق این لوح افتخار را در بلندترین قله ایران، دماوند نصب میکنیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دمسکرات ایران

روز ۳۰ آبان ماه، گروه کوهنوردان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، لوحه فوق را که بیست و شهادی ۱۶ آذر تهیه شده بود، بر فراز قله دماوند نصب کردند.

شرکت کشت و صنعت مغان در انتظار اقدامات بنیادی و عاجل است

آنها بیقرار و پرورش ساله معلمین تولید کمک کنند. پس از آنکه رشد انقلاب و تعمیق ماهیت ضد امپریالیستی آن ماهیت سیاست و زیر دولت بازرگان را روشن کرد و شورای انقلاب در مشله زمین و حق دهقانان موضع گیری روشنی نمود، معلوم شد که نظریات و دلائل و زیر سابق هیچ وجه مشترک با امر انقلاب ندارد و میبایست سیاست نوینی، با چشمی که بایسته نگاه کند، نه به گذشته فئودالی، اتخاذ گردد. اگر دلیل جناب وزیر مدافع مالکن بزرگ درست بود، چرا «مزارعه» و اشکال دیگر فئودالی در ایران برقرار بود، کشاورزان ما از فقیرترین و محرومترین و مستعبدترین مردم روزگار خود بودند؟ اگر این نظریات و آیین گریانه پایه منطقی و علمی داشت، پس چرا کشورهای پیشرفته جهان، که امروز بسیاری از آنها بخت با ما دارند، از مزارعه اولیه کشاورزی و خنوا بار گرفته نسا فرآورده های صنعتی بامعنی و روشند به سیستم مزارعه مورد علاقه زمینداران بزرگ و سرمایه داران وابسته و مدافعین نظریات آنها، که تا مقام وزارت هم بالا رفته بودند روی نمی آورند و چرا موسسات بزرگ کشاورزی - صنعتی بنیادهای تعاونی خود را با مملکت ارباب رعیتی حبل نمی کنند؟

بدون تردید تأثیر جدی و کلی در تبدیل این شرکت بیک واحد مؤثر و مهم اقتصادی خواهد داشت. بدلیل نیست که کارگران و مهندسان دلسوز شرکت، این مسائل را مطرح میکنند و حل آنها را خواستارند. از نظر منی سیاسی و بر خورد اساسی با این واحد، آقای ایزدی وزیر سابق کشاورزی برای گروه چند نفری زحمتکش و محروم خواب بدی دیده بود و میخواست سیستم اشتغال فئودالی و قسرون سطاقی «مزارعه» را در این مژسه پیاده کند. وزیر دولت بزرگان، که چنین سیستم ضد اسلامی، ضد انقلابی و ضد مردمی و ارتجاعی را در قانون گذاری «نحوه زمینداری و احیای اراضی» بکرسی نشاندند بود. اصرار داشت که این شیوه را هر چه زودتر در این شرکت نیز اجرا کنند. این نظریه چیزی نبود جز بازگشت به سیستم ارباب رعیتی قرون وسطایی، آنهم در مددترین سیستم تأسیسات کشاورزی و دامداری ایران. «دلیل» جناب وزیر این بود که گویا اجرای سیستم «مزارعه» موجب خواهد شد که علاقه کارگر با زیاد محصول افزایش یابد و جامعه ما بخود کفائی برسد در حالی که برای زیاده کردن زحمتکشان این واحد باید مزد کارگران را عادلانه افزایش داد، برای خانوادگی های آنها بیمه بهداشت و فرهنگ و مسکن تأمین کرد، به نسبت زحماتشان از پاداش بهره مندشان ساخت، اضافه کاری را جبران کرد، برای آنها زندگی مرفه و آینه مطمئن بوجود آورد، همراهمان تأمین شرایط معاشی مناسب، بتربیت از مسکن تا محل کار و غیره حل شود. حل این مسائل و مشکلات

اخبار دهقانی

وضع کارگران کشاورزی مزرعه آموزش و پژوهش کرج باید بهبود یابد

مزرعه آموزش و پژوهش زیر نظر دانشکده کشاورزی اداره میشود. یکی از کارهای این مزرعه کشت و برداشت محصول کشاورزی است. برای کشت و برداشت محصول در این قسمت ۱۶ اذن ۲۵ مرد کار میکنند. اینها از مدار اردیبهشت، که زمین آماده پذیرش بذر و دانه است، برای کاشت بذر در مزرعه میروند و اواخر خنوا، که برداشت محصول به پایان میرسد، بیکار میشوند. به علت سختی کار، همان کارگرهای قدیمی سال بدهم، که به سراغ کار قبلی میروند، شروع بکار میکنند. کارگران داسورس به مزرعه میروند. زمانی که آنها سوار سرویس میشوند، ۶/۵ صبح و زمان بازگشت آنها ۵/۵ الی ۶ بعد از ظهر است. ساعات کار آنها در واقع بین ۷ صبح تا ۴/۵ بعد از ظهر است. کارگرانی که در این مزرعه کار میکنند، اعماق زدن مردم، تا اردیبهشت ماه، ۵۸ روزی، ۴۰۰ ریال حقوق میگیرند، یعنی در ماه ۱۲۰۰۰ ریال، که ۲۰۰۰ ریال این مقدار با بابت حق بیمه از آنها کم میشود. از خرداد ماه ۵۷، حقوق آنها ۲۵۰۰۰ ریال شد، که ۲۳۲۵۰ ریال آنرا پرداخت میکنند و مقدار ۱۷۵۰ ریال سهم بیمه بر میدارند. این مقدار حقوق به تمام کارگرها، چغزن، چه مرد، چه کسانی که ۲۰ سال سابقه کار در این مزرعه دارند و چه کسانی که ۸ الی ۷ سال است کار میکنند، پرداخت میشود. این کارگران قاعد هر گونه رفاه و بهداشت کار هستند. کارگرها غذای خود را از خانه می آورند یا در مزرعه آپگوش و آشپزی پزند و میخورند. اگر کارگری در محل کار، مخصوصاً در تابستان، دچار مازگزدگی شود، یا آسیبی به او برسد، هیچگونه کمک اولیه در مزرعه وجود ندارد. آنها مجبورند شخص آسب دیده را به شهر کرج و بهداشتی برسانند، که این خود نیمه تاسه ربع ساعت طول میکشد. کارگران از هیچگونه تسهیلات بهداشتی برخوردار نیستند. آنها غذای خود را در مزرعه روی خاک صرف میکنند و حتی برای رفع حاجت هم هیچ چیز در اختیار ندارند. به کارگران قدیمی هر روز مسج شیر میدهند، ولی به کارگرانی که ۸ سال و بسا کمتر از این کار میکنند، چیزی برای صبحانه نمی دهند. در مزرعه از لباس کار خنری نیست و کارگرها خودشان چیزی از منزل به عنوان لباس کار می آورند.

۴۰ هزار تن از سرپرستان رژیم سرتگون شده پهلوی در مصر و اسرائیل متمرکز شده اند

در حال حاضر در حدود چهل هزار نفر از نظامیان سابق ایران که حقوقشان از طرف شاه مخلوع پرداخته میشود، در مصر و اسرائیل متمرکز یافته اند. یک هفته نامه فرانسوی ضمن انتشار این خبر مینویسد که این گروه های نظامی، با نظامیان طرفدار شاه مخلوع، که در ایران بطور مخفی فعالیت دارند، در ارتباط و تماس هستند. در همین گزارش آمده است که زنیال پارک، فرمانده لشکر هوای و جت باز ۸۲ آمریکا، اظهار نموده است که ما ایران را در منگنه فترده ایم. ولی همه این فعالیت های ضد انقلابی نشان میدهد که امپریالیسم آمریکا توسط خلق ایران در منگنه فترده میشود.

کنفرانس مترجمان آثار ادبی اتحاد شوروی در مسکو تشکیل یافت. در این کنفرانس مترجمان آثار ادبی اتحاد شوروی به زبانهای مختلف جهان شرکت دادند. در کار این کنفرانس نمایندگان ۵۰ کشور جهان شرکت میکنند و مسائل مربوط به ترجمه آثار ادبی و گسترش روابط و همکاری میان مترجمان را مورد بحث و بررسی قرار میدهند. در این کنفرانس همچنین نویسندگان آثار ادبی و شعرای برجسته اتحاد شوروی شرکت دارند و با مترجمان آثار خود آشنا میشوند و برای بهبود هر چه بیشتر ترجمه آثار ادبی تبادل نظر بعمل می آورند طبق آمادرسوی یونسکو، سالانه سه هزار نوع کتاب از آثار نویسندگان و شعرای اتحاد شوروی به زبانهای مختلف جهان ترجمه و طبع و نشر میگردد.

آدم بگایدند شاه مخلوع را به ابدان تجرد

باز هم دو کلمه در باره موضعگیری آقای بازرگان

را در آنجا که نتواند در تیریز...

بگذریم از این نظر عجیب (نطق در لویزان) که امیرالیستها و صهیونیستها نیز پیشتر مارکسیستها، هم قبل (یعنی در مورد ارتش شانشاهی) وهم بعد از انقلاب عقیده داشتند که، این ارتش طاغوتی و دست نشانده امیرالیسها است و باید نابود شود و نیز بگذریم از اینکه، در آن نطق، با کساری و نوسازی ارتش با نابودی ارتش طاغوتی و در نتیجه، «همچنین موضوعاتی است که جداگانه قابل تحلیل و بررسی است».

ما از آقای بازرگان تقاضا داریم که اینان را بشمارد و با ارائه آن اطلاعات موثقی که ایشان دارند، معرفی کنند.

چندی پیش روزنامه «مردم» (شماره ۹۹) مقاله ای داشت زیر عنوان «دو کلمه پیرامون نطق آقای مهندس مهدی بازرگان» (که در ۲۵ آبان ماه درحقیقت به انتشار ایراد کرده بودند). در این مقاله، ضمن بررسی موضعگیری آقای بازرگان نسبت به انقلاب، به موضوع «چی‌ها»، که ایشان یکجا درگیر ریخته اند و با یک جواب میزنند، اشاره انتقادی شده بود. بعد از انتشار این مقاله، «روزنامه مردم» اطلاع یافت که آقای بازرگان درجائی، با لحنی گلمند از «مردم» اظهار داشته بودند که این «چی‌ها» برای ایشان قاطی شده اند و مقصودشان حزب توده ایران نبوده است. ولی به نظر ما، مقام مسئولی نظیر آقای بازرگان، حق ندارد «چی‌ها» را قاطی کند و نیز البته دوچندان حق ندارد که این چی‌های قاطی را بنام مارکسیست و کمونیست، بجای امیرالیسها، دشمن درجه یک انقلاب معرفی کند، زیرا با این عمل، دشمن اصلی انقلاب، یعنی امیرالیسها را در پی راه فرار میدهد و این گره مسئله، یعنی موشی است که هر کس در آن قرار گیرد، در بهترین حالت، راه سازش با امیرالیسها را در پیش گرفته است و نه طرد آنرا.

آقای بازرگان در تشخیص دشمنان انقلاب، اخیراً يك کلام بجلو دو کلام بقی برداشته اند و در نتیجه يك گم از خودشان عقب افتاده اند؛ قبلاً در نطقهای آقای بازرگان بطور عمدتاً صهیونیسم (و نه امیرالیسها) و نیز «چی‌ها» (کدام «چی‌ها»؟) دشمن انقلاب (با بنابر اصطلاح ایشان «دشمن ما») معرفی می شدند. اخیراً در نطقها و بیانههای ایشان امیرالیسها (با نام امیرالیسها) در سباحت دشمنان انقلاب افزوده شده، که گامی است بجلو، ولی در واقع «دشمن ما» تغییر کرده است. در صف مقدم «مارکسیستها» یا «کمونیستها» قرار گرفته اند، پشت سرشان امیرالیسها و سپس صهیونیستها.

ما از آقای بازرگان، به عنوان مقام مسئولی که حق ندارد بپهلو بپوشد، سوال می کنیم، که: این «مارکسیستها» و «کمونیستها» کیانند که در پیشاپیش دیگر دشمنان انقلاب قرار گرفته اند و بنا بر این از نظر آقای بازرگان، می بایستی آنها را قبل از امیرالیسها و صهیونیستها، «دشمن ما» محسوب داشت؟

«مارکسیستها» و «کمونیستها» را دشمن انقلاب دانست و آنها را بجای امیرالیسها، دشمن درجه اول قرار داد. دو کلام بقی نیست به موضعگیری پیشین آقای بازرگان است.

مستند سخن گوئیم، تا خود ما بپهلو سخن نگفته باشیم. آقای بازرگان در نطقی که روز ۱۴ آذرماه در پسادگان لویزان (بامداد شماره ۱۵ آذر) ایراد داشته اند، از جمله گفته اند:

«قبل و بعد از پیروزی انقلاب یکی از اهداف دشمنان ما، یعنی مارکسیستها، امیرالیسها و صهیونیستها و با اغفال شدگان داخلی آنان، نابودی ارتش بوده و عقیده داشتند که این ارتش طاغوتی و دست نشانده امیرالیسها و صهیونیسم است و باید توسط درجه دار نابود شود». در پیام زادبو - تلویزیونی نیز که در ۱۵ آذرماه، خطاب به مردم تیریز، در رابطه با حوادث استفاکی که در این شهر رخ داد، از جمله اظهار داشتند:

«این جریان، چه در مقام و چه در تیریز، طبق اطلاعات موثقی که از خیلی اوقات قبل داشتیم، روی نقشه یلید و بدست توطئه گرانی است که با همکاری کمونیست و امیرالیسها برای ایران کشیده اند و انصاف می دهند. یکروز در کنگره قاپوس و یکروز، روزها در کردستان و حالا در قم و آذربایجان تقیاب کرده و می کشند... و نیز در همین پیام، «اطلاع کامل داریم که از نقاط دیگری از همانا یکاتان آمده اند و اطفاهای هتلها»

«چی‌ها» را قاطی کرده بودند، بلکه حتی «ممم‌ها» را نیز در برابر «مکلاها»، یکجا مورد خطاب قرار داده بودند، که این «ممم‌ها» باید به «مکلاها» حق حرف زدن بدهند، ولی توضیح نداده بودند که مقصود ایشان کدام «ممم‌ها» است، و این باعث شد که حجت الاسلام سیداحمد خمینی از آقای بازرگان علناً بخواهد که، بعد از این، با نام، نه بی نام، از «ممم‌ها» انتقاد کنند، که خواست کلاماً بجائی است.

بسیار جالب است که اکنون نیز که امیرالیسها اگر چه در ردیف دوم (از جانب آقای بازرگان در ردیف دشمنان انقلاب معرفی شده، از امیرالیسها آمریکا، که سرکردگی امیرالیسها را برعهده دارد و دشمن اصلی انقلاب ایران است، نامی برده نمی شود، گمان نمی رود که کم کردن نام امیرالیسها آمریکا ناشی از نسیان و یا بعلت قاطی کردن باشد، بلکه بدلیل آنستکه، در جو کتونی کشور، که نیروی توده های میلیونی علیه «شیطان بزرگ» توفان برپا داشته اند، نمیتوان نام این «شیطان بزرگ» را بر زبان آورد و در عین حال آنرا در ردیف دوم دشمنان انقلاب قرار داد.

در هر حال، فلا سخن را کوتاه کنیم و با ذکر چند نکته مقال را پایان دهیم. نکته اول اینکه، ما با شخصی آقای بازرگان کاری نداریم، ولی ما با موضعگیری ایشان نسبت به انقلاب، کار داریم و نمیتوانیم نداشته باشیم، زیرا ایشان در مقام مسئولی قرار گرفته اند و بنا بر این از روی سخنان ایشان نمیتوان سربسی گفت.

نکته دوم اینکه، بگمان ما، فقط در صورتیکه آقای بازرگان دشمن انقلاب ایران را امیرالیسها و دشمن اصلی انقلاب ایران را امیرالیسها آمریکا بدانند و معرفی کنند، به انقلاب ایران خدمت کرده اند، در مسیر «خط امام» حرکت کرده اند، راه را برای پیروزی نهائی انقلاب هموار ساخته اند، والا نیروهای را که هنوز برای ایشان خواص انقلابی قائلند، گمراه ساخته اند و با انقلاب زبان رسانده اند.

نکته سوم خواهشی است که ما از آقای بازرگان داریم و خواهش ما اینست که برای این «چی‌ها»، این «مارکسیستها»، این «کمونیستها» (چه داخلی و چه خارجی) را، که برای ایشان «قاسطی» شده اند، فکری نکنند، یعنی آنها را از یکدیگر جدا کنند و آنها را با ذکر نامشان در جبهه دشمنان یا دشمنان انقلاب قرار دهند. اگر آقای بازرگان خود قادر نباشند که این «چی‌ها»، «مارکسیستها» و «کمونیستها» قاطی را تفکیک کنند و هر کدام را در جغای خود قرار دهند، ما به ناچار در آینه در حل این «مشکل» با ایشان کمک خواهیم کرد.

نکته چهارم اینکه، ما امید داریم که آقای بازرگان از ما نرنجند، کمک به پیروزی انقلاب، کمک به بقا و قوام «وحدت کلمه»، که ضامن این پیروزی است، وظیفه انقلابی ماست. و ما این وظیفه را با اصولیت انقلابی، با یکپارگی انجام خواهیم داد. ماحب و بنهی نسبت به هیچکس نداریم. این واقبت را آقای بازرگان هم باید بدانند.

کالی آمریکائی نخریم!

فرد فرد ما معرف کالاهای آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را ارتقا دهیم و کالی آمریکا را بر سرش بکوبیم. با قطع ریشه تسلط امیرالیسها بر سرکردگی امیرالیسها آمریکا از میان ما، سرانجام دوران محرومیت هم پایان خواهد یافت. با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید. خود را برای يك دوران محرومیت آماده کنیم و جامعه انقلابی خویش را با روح قناعت، فداکاری و پایمردی در برابر امیرالیسها و جاسوسان آمریکا پیش از پیش مانوس سازیم.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان ارادتمندان حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشر در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، وسیع ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کتونی این يك وظیفه مبسوم انقلابی است.

چه خوب است در میان مردم بودن، با مردم بودن و برای مردم بودن



سودجویی کارفرمای کارخانه قند نیشابور بکورشدن يك کارگر انجامید

کارگری از کارخانه قند نیشابور برای ما می نویسد: «قسمت قند از ملامی، کارخانه ۲۱ کار در وقت دارد، که اکثر آنها ازدهات و آبادیهای اطراف نیشابور می آیند. در حدود دو هفته پیش یکی از آنها با اسم حبیبی مان آبادی، که در جلوی آسیاب آهک کار میکرد، آهک به چشمش زد و يك چشمش را کور کرد. کارفرماتنها پس از این واقعه دستور داد که چند عینک خریداری کنند و به نیا کارخانه بیاورند، ولی تاکنون حاضر نشده است که آنها را ما بدهد. در مورد لباس کار هم بعد از این اتفاق تنها ۴ دست لباس به ما داد که ما آنرا بین ۲۱ نفر قریه کشی کردیم (مان آبادی کارگر جوانی است که زن و سه بچه دارد و کارفرما می خواهد با دادن مقداری پول با او، او را بیرون کند. در کارخانه ما کارگرانی هستند که ۱۴ سال است کار میکنند، ولی هنوز موقتند و هر موقع کارفرما بخواهد، میتواند آنها را بیرون کند.»

کارگران میگویند که انقلاب، که باید حامی رحتمکشان باشد. هنوز بکارخانه ما نیامده و کارفرما هر چه بخواهد میکند. «مردم» - طبیعی است که انقلاب باید با جنب رحتمکشان را بگیرد، نه کارفرمایانی چنین رورگو و دستکار. ما از مسئولین میخواهیم که با اتخاذ تدابیر لازم هر چه زودتر جلوی اجحاف اینگونه کارفرمایان را بگیرند و خواستههای بجا و منطقی کارگران را تأمین کنند.

گزارشی از يك فروشنده «مردم» در شیراز

«هیچ کاری با اندازه فروش «مردم» در میان انبوه جمعیت برایم لذتبخش نیست. با اشتیاق بی حد حصر، درآمد کار فروش تا به تازیم با آغاز سال تحصیلی جدید برای فروش روزنامه عازم خیابان می شوم. به محل سابق که میرسم، فرش فروش، بلال فروش، دستفروش کنار خیابان را می بینم که باشکبائی کامل و مثل دوره تا بهستان مشغول امر ادعاش هستند. در کنارشان قرار می گیرم و شروع به فریاد زدن میکنم. «روزنامه «مردم»

ارگان مرکزی حزب توده ایران

همان دفاعیق اول، ۴ روزنامه به فروش میرسد و من احساس میکنم که اگر بعد از این حتی کسی از من روزنامه نخرد، برایم کافیست، میدانم

چرا برای اینکه کسانی آنها را خریدند که هر یک کار و اشتیاق به راهائی از زندگی متفق بار در قیافه ها - نشان موج میزد شاید هم برای اولین بار نشان بود که روزنامه «مردم» می خریدند. بل سینه ای پر از احساس شادی و عشق به مردم بلندی داد من زمین، جوری که دلم میخواهد اسم «حزب توده ایران» بردلای هر زحمتمکنی نقش بندد، آخر مگر نه اینست که حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران است؟ این حق مسلم هر زحمتمکنی است که حزب خود را بهتر بشناسد و بپایوستن به دیداری بکوران آن، همگام با سایر رفقایش پشتلطم و استعمار را بر زمین زند.

فروش روزنامه ادامه دارد. دو جوان محصل با موتور نزدیک می آیند و بعد از خرید روزنامه، شروع به خوردن بلال در بلال فروش دوبروی من می کنند. بعد از مدتی یکی نزدیک میشود و یک بلال بسوی من دراز میکند و من با قلبی پر از امتنان، بلال را از وی می گیرم. با خود فکر میکنم، راستی انسانها چقدر میتوانند خوب با هم زندگی کنند و چقدر مفاسمیت مردم بی آلاش است.

محصل دیگری کنارم قرار میگردد. بیست جنوب است. با عینک زده بینی قوی برچشمانش. روزنامه های میخورد و کلاسورش را کنار من روی زردها می گذارد و شروع به خواندن تیر روزنامه میکند. بعد بر میگردد و میگوید: «اینها پشتیبان

راستین انقلاب هستند». ددل خود به حزب درود می فرستد. به کاربگیر دی خنده و سبورانه اش در میان مردم فکری کنم. تکرار هر کدام از این صحنه ها مرا اوادار به ندای بلندتر و راست اسم روزنامه و حزب می کند. فکر میکنم همه از خودمان هستند. چقدر انسانها خوبند. روزدیگر نیز اینکه صحنه ها تکرار میشوند. این بار دو جوان دیگر برایم بلال میخرند. هنگام تعطیل مدارس است. عده ای جوان دورم راه میگردند و یکی می پرسد: اینجا چه گروهی هستند که همدیگر در رفیق خطاب می کنند و منظورشان چیست؟ تا آنجائی که در توانا هم هست با سربو حوصله توضیح میدهم. جوانی از آن طرف می گوید: «حق با ایشان است، بگذارید روزنامه اش را بفروشد». بچه ها انگار که چیزهای تازه ای یاد گرفته اند، متفرق میشوند. اینبار قسمتی از آن سرمقاله را نیز با صدای بلند می خوانم. «جنگ را در کردستان متوقف کنید»

نزدیکیهایی شب است. رفیق که کمی پائینتر از من فروش روزنامه اش را تمام کرده بود، همراه با مردمی می آید و مرا نشان او میدهد. پیر مرد روزنامه را می خواند و گوشه دستمال کوچکش را با ز می کند و از میان آن، اربالی های انگشت شمار، يك تومان بپنم دراز میکند و روزنامه را میگیرد و با نظم و دقت خاصی در جیب خود قرار میدهد. قلم از این صحنه می لرزد.

کارگران ساختمانی: ما بهتر از هر کسی می توانیم روی زمین کار کنیم

تقسیم شد و به هر دهقان يك جریب زمین رسید. بقیه اش همینطور ماند، الا آن آمده شهر و هر سه چهار روز یکبار کار می گیری می آید. «قلب کارگران ساختمانی، فصلی هستند. تا بهستان دارد به کار برداشت محصول می بردند و ویا نیز زمستان به شهر می آید. در بین آنسان کتر کارگر مهاجر دیده می شود. کارگرانی که مهاجرت کرده اند و به شهر آمده اند، همه از دبی زمین می می نالند و صریحاً می گویند اگر دولت زمینها را از اربابها پس بگیرد و به آنها بدهد، سروامان پیدا میکنند.

خودمان شخم می زنیم. آنها بایل. تراکتور که اصلاً حرفش را زنید، یک ریوستائی که با زن و بچه اش به شهر آمده میگویند. «ازدهات مبسوم آمده است، اصفهان، دنال کار. زمین نداریم. همه زمینها را اربابها گرفته اند. ما تا بهستانها برای ارباب کار میکنیم، ولی خرج مان در نمی آید. مجبوریم بیایم شهر عسلی کنیم». صبحها سر هر میدان و چهارراه، در هر شهر انبوهی از این کارگران را می توان دید که بیشتر تا حوالی ظهر منتظر می ماند و بعد نا امید بستی می روند. وقتی از چند کارگر شوال شد که اگر دولت بشما زمین بدهد، حاضرید روی زمین کار کنید همه یکصد جواب دادند، «آقا ما از خرد می خواهیم. ما بهتر از هر کسی می توانیم روی زمین کار کنیم».

کارگران ساختمانی از روستاها و بخشها به شهرستانها و مراکز استانها سرازیر می شوند. این هجوم که مبراث سیاست اقتصادی رژیم طاغوتی بطور عام و سیاست کشاورزی اش بطور اخص است، هنوز هم ادامه دارد، زیرا در روستاها از کارخبری نیست. پای حرف هر کدام از این کارگران که بنشینم، یک زبان می گویند که اجباراً برای پیدا کردن کار به شهر می آیند. فقط در شهر اصفهان متجاوز از ۶ هزار کارگر ساختمانی وجود دارد، که عموم مادر چهار - چوب بالاجای می گردند. تعدادی از آنان از یاسوج و بویر احمد، تا اصفهان آمده اند. یکی از این کارگران می گوید: «من از ده آبادی آمده ام، چهار نفریم و سه جریب (۳۰۰۰ متر مربع) زمین داریم. این زمین ما را نسامین نمی کند. دوسه جریب زمین دیگر بقرادر جریب ۷۰۰ تومان اجاره کردیم.»

د آ، مقابله با تجاوز نظام. آمد نالسه آمد سکا از هر باره آماده شده

نامه زیر به دفتر «مردم» رسیده است:

نامه سرگشاده بکانون نویسندگان ایران

گرفته اند و بنام کانون نویسندگان با آن حزب است که می چسبند.
شک نیست که هر کسی از اهل قلم آزاد است به هر مکتب و هر سازمان سیاسی که دلخواه اوست بپیوندد و پابین عنوان در عرصه سیاست کشور با هر مکتب و هر سازمان سیاسی در افتد، و اگر هم مانند این آقایان چندان در پی یا کزگی کلام و رعایت شرم انسانی نباشد، زبان و قلم را به نام سازمانی که با اعتقاد راسخ مادی بر یازود بسوی خود ناسزا گویم می کند. بیایید، ولی، در هر حال، کانون نویسندگان ایران سینه مبارزه سیاسی گروها و احزاب نیست و نمیتوان بنام کانون و با اعضای هیئت دبیران آن بنامیه سراپا تهمت و ناسزا برداشت. افسرد یا احزاب صادر کرد. این کار تفتی خشن اساست. کانون و معنای با خصلت غیر سیاسی فعالیت آن است که در گذشته همواره بدقت از سوی هیئتهای دبیران رعایت می شده، بطوری که حتی یک مورد نمیتوان نشان داد که هیئتهای دبیران سابق کسی یا کسانی از اعضای کانون را بدستگیر نکرده اند. اختلاف در رای و روش بر سر هر دگرگی بیگانه یا تهمتهای ساواک یا نه از این قبیل، که آقایان فراوان بکار برده اند و می برند، منسوب کرده باشند.

باتوجه به آنچه از اخلاقیات، تجاوز از حقیقت و نابرداری دموکراسی با نظرهای مخالف تا سرحد ناسزاگویی و افتراء تهمت های ناروا و سوء استفاده از قدرت برای بستن دهانها از هیئت دبیران کونی کانون نویسندگان ایران مشاهده است و با توجه به آنکه آقایان از آغاز تصدی رهبری کانون در این چند ماه که از انتخابشان

نداشته است، و نیز در جلسات عمومی روزهای سمنه، و در نامه های که خطاب به هیئت دبیران کانون نوشته و بر اثر لجاجت آقایان در نادیده گرفتن حقایق و بی توجهی به مقصود انقلاب، خود را ناگزیر از انتشار آن و گذاشتن امر به فسادات عمومی دیدیم، ما همواره خطی بر روی موقع کشور و انقلاب و نیز مسئولیت بزرگ هیئت دبیران را به آقایان گوشزد کردیم. آنچه ما از سردسوزی نسبت به سر نوشت کانون نویسندگان ایران و در حکامی صادقانه باروند بویای انقلاب اسلامی ایران می گفتم جز این نبود که در جوهر برانگیخته سیاسی کونی، با توجه به تحریک و توطئه دشمنان انقلاب با توجه به حوادث اسفناک کردستان و خوزستان و درگیری خونین و عبرت انگیز، بهتر است و به صلاح است که هرگز اری شهبای کانون نویسندگان به موقع مناسب دیگری موقوف گردد.

کانون باید پرسیده، چه شد که آقایان، پس از آنهمه با فشاری و تهمین نیرو و تبلیغ مطبوعاتی برای برگزینی هر چه با افساد این شهباء، و با وجود برخورداری از پشتیبانی و تأیید سوجدیوانه گروه های مین سیاسی، که دست بر قضا ممشان به نوعی در خلاف مسیر انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی گام بر می دارند و تا نزدیک گواه بر این معنی موضع گیری شان در برابر قانون اساسی و فرارند اخیر است. یکباره به موضعی نقل مکان فرمودند که مارا درست به سبب توسیه واقع بینانه برای اختیار چنان موضعی در معرض انواع تهمتهای ناسزا قرار دادند و تا حد تملیق عضویت مادر کانون نویسندگان پیش رفتند؟ آیا این است که آقایان، با همه سرسختی و عناد

بیانیه ای که در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ به نام کانون نویسندگان ایران انتشار یافته و امضای هیئت دبیران درای آن است، گذشته از دروغهای چند به هم بافته برای تبریخه خلافتاری آقایان و صرف نظر از ناسزاها و تهمتهای غنی که دستگا خود فروخته آریامهری و ساواک ملعون ملی بیست و پنج سال از سانه های گروسی آریانی و از زبان و قلم برخی مزدوران هفت خط هفتاد رنگ نشخوار کرده است، و شکفتا که اینک با همان گزندگی و زهر ناکی و کندیگی از دهان برخی مدهیان آزادی اندیشه و بیان و قلم بیرون میزند یک نکته مثبت داد، و آن این که می گوید:

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران برگزادی باشکوه شهبای کانون را با شرکت دهها هزار نفر از هموطنان خود به روزی موقوف می کند که ملت عزیز ایران از کسوف مبارزه با امپریالیسم جهاننوار آمریکا سربلند و بیرونیرون آید.

بگذریم از ملطراق جمله بندی که شاید هم سرووشی بردفدغه و جده خنکار باشد. حقیقت ساده و پوست کنده این است که آقایان سر انجام، زیر فشار واقیعات محسوس و ملموس، ناچار به اخذ تصمیمی شده اند که ما از ابتدا پیشنهاد میکردیم در تنها جلسه هیئت برگزادی شهبای کانون، که در آن دو نفر از ما به دعوت آقایان شرکت کردند و کار این هیئت به همان یک جلسه ختم شد، یعنی آقایان بی سروصدا، اما در عمل آن را منحل فرمودند، و ناگفته نماند که برخلاف ادعای آقایان هیچک از ما هرگز در کمیته تدارک شهبای شمر و سخنرانی شرکت

می گذرد، بیوسه خواسته اند فعالیت کانون را در جهت سیاست خاصی هدایت کنند که در هر قدم با مسیر انقلاب و رهبری آن در تضاد باشد. و بنامیه اخیر آقایان داد و در باره قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان باینستوردادی از آن است. دانست، ما امضا کننده کانون این نامه که، به رقم تصمیم مستبدانه آقایان، خود را همچنان عضو کانون نویسندگان ایران می دانیم، اعلام می داریم که آقایان محسن یلفانی - باقر پرهام - احمد شامسلو - غلامحسین ساعدی و اسماعیل خویر، با روش نادرستی که در رهبری فعالیت عمومی کانون در پیش گرفته اند و بسطت اعمال فرض سیاسی درین خود با عقاید مخالف، عدم شایستگی خود را در مقام و مسئولیتی که به ایشان تفویض شده است به اثبات رسانده اند و نمی توانند نمایندگی مجری نهات کانون باشند.

از این رو ما از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده در تاریخ چهارم دیماه ۱۳۵۸ برای حل و فصل مسئله ای که به تفسیر همین آقایان، پایه های کانون نویسندگان ایران را متزلزل ساخته و از اعتبار آن در میان توده ها کاسته است، عاجز گردیم و آماده شرکت در آن برای احقاق حق ضایع شده خود و بازگرداندن کانون به راه دست مبارزه در شرایط درگیری های بزرگ انقلاب پوییده ایران هستیم.

۵۸/۹/۱۲

محمود اعتمادزاده (به آذین) - سیاوش کسرایی - امیر هوشنگ ابتهاج (سایه) - فریدون تنکابنی - محمد تقی برومند



روابط اقتصادی و همکاری های فنی اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد گسترش مییابد

در سال ۱۹۶۰ اتحاد شوروی با چهارده کشور در حال رشد روابط اقتصادی داشته و در زمینه های فنی به آنها کمک می کرد. در سال ۱۹۷۹، شماره این کشورها به ۶۳ رسیده و حجم مبادلات بازرگانی و همکاری های اقتصادی و فنی متجاوز از شش برابر افزایش یافته است. با کمک های فنی و اقتصادی اتحاد شوروی، در کشورهای در حال رشد ۶۰۰ واحد صنعتی ساخته شده و مورد بهره برداری قرار گرفته است. اکنون ۲۶ واحد صنعتی دیگر در دست ساخت است و با طرح ساختن آنها تهیه می شود.

در کشورهای نیجریه، پاکستان، الجزایر، مصر، هندوستان، سری لانکا و ترکیه، با کمک های فنی و اقتصادی اتحاد شوروی، کارخانه ذوب آهن ساخته شده است. در افغانستان کارخانه تولید سنگ مس، در هندوستان کارخانه آلومینیوم سازی، در نیجریه لوله کشی نفت و در لیبی مرکز علمی و فنی تحقیقات اتمی نیز با کمک های فنی و همکاری های اقتصادی اتحاد شوروی و همکاری های اقتصادی اتحاد شوروی ایجاد گردیده است.

کمک های فنی و همکاری های اقتصادی اتحاد شوروی با کشورهای در حال رشد به این کشورها امکان میدهد تا پایه های اقتصاد ملی و صنایع مستقل ملی خود را ایجاد کنند و از زیر بار وابستگی های اقتصادی و تکنولوژی جهان سرمایه داری غرب، که با سیاست نو استعماری امپریالیستی به آنان تحمیل شده، رهائی یابند.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام تدارکات جنگی آمریکایی را محکوم میکند

وزارت امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام به مناسبت تدارکات ناهای جنگی آمریکا در آبهای ساحلی ایران اعلامیه ای صادر نمود. در اعلامیه گفته میشود که این اقدام آمریکا استقلال ایران و صلح و ثبات در سرزمین جنوب باختری آسیا را بخطری می اندازد. دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام این اقدامات تجاوزگرانه آمریکا را محکوم می سازد و دولت آمریکا را به ملت پناه دادن شاه مخلوع نکوهش میکند و از خواست مردم ایران برای استرداد شاه پشتیبانی میکند.

آمریکا به متحدان خود، اسرائیل و رژیم سادات کمک نظامی میکند

ناظران سیاسی در واشنگتن گفتند که دولت آمریکا بخاطر اقدام سادات در امضا موافقت نامه خاننا که کتب دروید، سه میلیارد دلار دیگر کمک نظامی در اختیار رژیم سرپرده مصر قرار خواهد داد، آمریکا در عین حال به اسرائیل نیز وعده کمک های بیشتری داده است. به گفته ناظران در بیروت، دیندار اخیر کلفورد الکساندر، وزیر نیروی زمینی آمریکا از مصر و اسرائیل، در چهارچوب برقراری ارتباط هر چه نزدیکتر میان رژیم سادات و دولت اسرائیل صورت گرفته است. در پایان این مصداق اعلام شد که سادات و بکین احتمالا اول زانویه با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.

سناتور آمریکایی ایران را بمداخله نظامی تهدید میکند

سناتور جرج مک گاورن در باره اعلام کرد که چنانچه دولتی آمریکایی هائی را که در ضمن خدمت در کشورهای بیگانه، در آن کشور با مداخلت نظامی مداخله آورد، سناتور آمریکایی اوضاع در ایران را خطرناک و ناایمن توصیف کرد و افزود که چنانچه تهاجم بیگانه گردگان اعدام شود، انتقام آن بسیار وخیم خواهد بود. ولی آقای سناتور در افروزش کرده است که خلق ایران آماده برای مقابله با هرگونه تجاوزی است.

مخالفت افکار عمومی در کشورهای ناتو با استقرار موشک های هسته ای در اروپای غربی افزایش مییابد

در پی مخالفت های گسترده در هلند، دانمارک و نروژ علیه طرح های پیمان ناتو در زمینه استقرار موشک های هسته ای جدید در اروپای غربی، تظاهرات تازمانی در چند کشور دیگر عنوان صورت گرفت. محافل اجتماعی کشورهای ناتو تصمیم تازه این سازمان را گامی خطرناک بسوی افزایش مسابقه تسلیحاتی و افزایش تنش در اروپا توصیف کردند. در یونان دهها هزار نفر از مردم این کشور طوماری را در زمینه مخالفت با تصمیم ناتو امضا کردند و در برلین غربی ۲۵ نماینده سوسیال دمکرات، بخاطر آنکه حزب سوسیال-دمکرات با طرح ناتو موافقت کرده است، از این حزب خارج شدند.

حمله مجدد رژیم سرپرده روزه با زامبیا

نیروهای رژیم سرپرده روزه با سادریگر به خاک زامبیا حمله کردند. به گزارش دولت زامبیا، هواپیما های رژیم زیمباووه (روزه) چندین بار کارخانه را در این کشور بمباران و خسارات زیادی وارد کردند. هدف از این حملات آن است که دولت زامبیا از حمایت جبهه میهن پرستان، که برای آزادی واقعی زیمباووه بیکار میکند، خودداری نماید.

سانسور رژیم سادات مانع آگاهی مردم مصر است

حزب سوسیالیست ترقیخواه مصر اعلام کرد که بر اثر سانسور شدید روزنامه در این کشور، مردم نمیتوانند از حقایق اوضاع و ماهیت سیاست رژیم سرپرده سادات آگاه شوند. این حزب اعلام کرده است که بعنوان مثال، بسیاری از مردم مصر هنوز از واقیعت محامدات نظامی و کمپ بودید اطلاع چندانی ندارند. مطبوعات مصر تلاش میکنند که حتی در زمینه رویدادهای خارجی نیز اطلاعات گمراه کننده در اختیار مردم قرار دهند.



نقل از اطلاعات - ۱۸ آذرماه ۱۳۵۸

حجت الاسلام گرامی: اگر تفرقه بیفتد، از ضعیف ترین کشورها هم باید بترسیم

شیراز - خبرنگار کیهان - اگر سرمداران حکومتی و مسئولان بداد مردم نرسند و تفرقه به وجود آورند، نه تنها از قدرت نظامی آمریکا، بلکه از ضعیف ترین کشورهای نیز باید بترسیم. این مطلب را حجت الاسلام شیخ محمدعلی گرامی که از قم برای ایراد چند سخنرانی به شیراز آمده است، در اجتماع هزاران نفر از مردم شیراز در مسجد کبک، اظهار داشت. وی سپس ضمن انتقاد شدید از اختلاف فاشی طبقاتی در استان فارس گفت، بین سرمایه داران و مالکین و مستضعفان در استان فارس اختلاف زیادی وجود دارد و فلان مالکی که دهها ده دارد اجازه نمیدهد که فلان بی سرمد عمری را بر عهده گذارند است، صاحب قطعه زمینی شود و با ششده میشود که مالکی تنها کاوشگرده خانه ای را بزور دستشان گرفته است، وی ضمن هشدار بگروه های انقلابی از آنان خواست که مالکین، کسبه، روسا و مدیران ساسامه کار باشند تا تفاوت با انقلاب صدمه نزنند. حجت الاسلام گرامی همچنین در اشاره ای به تهران ایران و آمریکا، اضافه کرد، آمریکا در جهان لطافت بسیاری متحمل شده، اما لطمه ای که از ایران خورده جبران ناپذیر است و باید حالی پیش آید که مردم دل سرد نشوند و دشمن نتواند از راه کم کاری در ادارات و از راه فقر مردم و از راه بنیاد مسکن که بجای خانه سازی فقط به شمار دادن قناعت کرده، با انقلاب مامله بنزد.

(کیهان ۱۸ آذر)

پرسنل نظامی پایگاه های نظامی آمریکا در ترکیه به حال آماده باش درآمدند

روزنامه جون آی تین، چاپ استانبول، در گزارشی خبر میدهد که پرسنل نظامی پایگاه های آمریکایی در ترکیه به حال آماده باش کامل درآمدند. این روزنامه می نویسد که دولت ترکیه با استفاده از این پایگاهها در رابطه با حوادث ایران با قاطعیت مخالفت می کند.

کماندو های آمریکایی از طریق هوایی در عربستان سعودی پیاده می شوند

راد یوسکودر بخش فارسی خود اطلاعات داد که نخستین گروه های کماندو های آمریکایی بوسیله هواپیما های نیروی هوایی آمریکا به عربستان سعودی اعزام شده اند. این نیروها با هلیکوپتر نظامی و بمبوان کارکنان و کارشناسان صنایع نفت به این منطقه اعزام میشوند. بدینسان کشور به اصطلاح اسلامی عربستان سعودی به پایگاه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

به طبقه کارگر هشدار میدهم

بقیه از صفحه ۱

از کار فرمایان، از خط امپریالیسم بهره ریزی کنند. اتحاد شوروی های ضد کارگری و نادرستی سازی در راستای این خط است. باتوجه به این واقیعت و طبقه کارگر همین دوست و صمیمی امپریالیست، پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن است. طبقه کارگر آگاه آنست که سر ایا چشمپوش شود و سبیه های دشمن را خشی کند. برای مقابله با توطئه های امپریالیست و جلوگیری از انهدیری کشور را از تحریریم اقتصادی او، بزرگترین وظیفه با کار و تلاش شبانه روزی خود این دسیمه را عظیم گذارد و کشور خود را از کالاهای امپریالیستی بی نیاز سازد.

ما باید بتوانیم بجای گندم و گوشت و برنج و روغن و ادوات، خود تولید کشاورزیمان را سازمان دهیم و در راه خود کفایتی گام گذاریم. باید بتوانیم بجای کالاهای صنعتی ساخت دست امپریالیسم، تولید صنعتی خود را افزایش دهیم برای حصول باین هدف طبقه کارگر باید با زوری کار خود همه انرژی انقلابی خود را در خدمت انقلاب گذارد و از هر نوع کم کاری، تحمیل و اعصاب، که مخل تولید باشد، در این شرایط به هر میزان، در برابر اوضاع مشخص کنونی، کم کاری، تحمیل و اعصاب، یعنی کاهش میزان تولید داخلی، یعنی تحمیل خواست امپریالیسم و ایجاد زمینمساعده برای اجرای سبیه های شوم اولیه استقلال کشور ما، نمیتوان در این میان از تقنی تحریک آمیز دهچ نمایان، سخن گفت، که با تشویق کارگران به کم کاری و برانگیختن اعصابها و تحمیلها، در کنار امپریالیسم و ارتجاع عمل میکنند.

به کارگران آگاه هشدار می دهیم که فریب شمار های تند و تیز با ظواهر انقلابی این گروهها را نخورند. شمار درست در لحظه کنونی آن شماری است که جبهه انقلاب را تقویت کند، نه آنکه آنرا تضعیف نماید. شمار درست در لحظه کنونی آن شماری است که نه فقط محتوی آن درست باشد بلکه زمان طرح آن هم درست و شکل طرح آنهم درست انتخاب شده باشد. استفاده از سلاح کم کاری، تحمیل و اعصاب، بهمان اندازه که قبل از انقلاب برای تشویق و بزانورد آوردن رژیم شاه مخلوع صحیح و اقدامی انقلابی بود، اکنون ناصحیح و ضد انقلابی است هشدار بشیم!

باز هم در بارهٔ ضرورت پاکسازی...

کشاورزی، مشغول کار شده است. دشمن تا پشت میز وزرای دولت نفوذ کرده است، باید هر چه زودتر دست بکار شد. اما متأسفانه، در حالیکه بیشتر از یک ماه است که شورای انقلاب زمام امور را در دست گرفته است، تنها کاری که در این زمینه انجام شده، اعلام شواهد پاکسازی در وزارتخانه‌ها توسط تفتیش و بررسی است.

کشاورزی، مشغول کار شده است. دشمن تا پشت میز وزرای دولت نفوذ کرده است، باید هر چه زودتر دست بکار شد. اما متأسفانه، در حالیکه بیشتر از یک ماه است که شورای انقلاب زمام امور را در دست گرفته است، تنها کاری که در این زمینه انجام شده، اعلام شواهد پاکسازی در وزارتخانه‌ها توسط تفتیش و بررسی است.

کشاورزی، مشغول کار شده است. دشمن تا پشت میز وزرای دولت نفوذ کرده است، باید هر چه زودتر دست بکار شد. اما متأسفانه، در حالیکه بیشتر از یک ماه است که شورای انقلاب زمام امور را در دست گرفته است، تنها کاری که در این زمینه انجام شده، اعلام شواهد پاکسازی در وزارتخانه‌ها توسط تفتیش و بررسی است.

ادارات را پاکسازی کنید! این موضوعی است که یار دیگر قصد طرح آنرا داریم. خواننده که از تکرار این موضوع در هر دم شاید خسته شده باشد، حتماً خواهد پرسید: «اینهمه تکرار چرا؟»

این پرسش خواننده، برای ما که اینقدر بر زمینه پاکسازی ادارات قلم زده‌ایم، نیز سئوالات متعددی را مطرح میکند. ما از مقامات ستول می‌پرسیم: آیا اصرار ما در پاکسازی ادارات نادرست است؟ آیا رفتن کارگزاران دشمن از ادارات ضرورت درجه اول ندارد؟ آیا اعمال ساواک در ادارات بهترین شرایط را برای کارشناسی و تفرقه‌اندازی ندارد؟ آیا روند حوادث نشان نداده که باید «دفعه لفظی است که در انتقام نیست» نمیشود با ننگ خوردگان سفره ساواک روبرو شد؟ آیا حوادث اخیر کشور نشان نداده است که آنها که به ظاهر نمسکدان ساواک را شکسته‌اند، خطرناک‌ترند؟ آیا رهبر انقلاب بارها و بارها در دستخشان خود، از جمله فرمان‌آغاز به کار شورای انقلاب بعد از سقوط دولت بازگان، صریحاً خواستار پاکسازی ادارات نشده‌اند؟

اگر جواب این پرسش‌ها مثبت است، که هست، آنوقت ماحق داریم بنویسیم: انقلابیون صدیقی که دلسوزانه کوچکترین رویداد-های کشور را زیر نظر داریم و به عیان می‌بینیم که چگونه ضد انقلاب اقدام اجرای پاکسازی سود میبرد، بپرسیم: «راستی، اینهمه پشت گوش انداختن چرا؟ اینهمه تملل در پاکسازی ادارات چرا؟» نگاه ما به رویدادهای کشور روشن میکند که با تشکل ضد انقلاب، که هر روز در مقابل انقلاب شکل جدیدی بوجود می‌آورد، پاکسازی ادارات ضرورت درجه اول دارد و اکنون دیگر به صورت یک گره حیاتی در سر-نوشته سیاسی کشور آمده است. اکنون اطلاعات موقتی در دست است که ترکیب ادارات، حتی در سطوح بالاتر، تقریباً ناکرده باقی مانده است. این امر که موجب آزار از سیاست ناپیگیری و ماساژات حساس‌تر یار غار هویدا باشد.

برای آنکه کلی گویی نکرده باشیم، چند نمونه مشخص می‌دهیم: **داریوش بیرنیا،** از بستگان نزدیک اردبیل زاده، که تا همین چند هفته پیش در سفارت ایران در آمریکا رئیس بخش دانشجویان بود، به ایران بازگشته و در وزارت خارجه سرگرم فعالیت است. **سرهنگ دوم ادبیه،** از سر-سپردگان رژیم سابق، بعد از انقلاب به درجه سرهنگ دومی ارتقاء یافته و رئیس کلانتری ۸ در امیرآباد است. **هوشنگ کاتوزیان،** مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره پیشین شرکت سهامی بیمه ایران، که پس از پیروزی انقلاب بدستور دادستان کل زندانی شد، در دوران وزارت آقای اردلان، به سمت مشاور وزیر مشغول بکار شد. **حسن امامی،** آجودان شاه مخلوع، بعنوان مشاور بانک تعاون

مخلوع، بعنوان مشاور بانک تعاون... **سرهنگ دوم ادبیه،** از سر-سپردگان رژیم سابق، بعد از انقلاب به درجه سرهنگ دومی ارتقاء یافته و رئیس کلانتری ۸ در امیرآباد است. **هوشنگ کاتوزیان،** مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره پیشین شرکت سهامی بیمه ایران، که پس از پیروزی انقلاب بدستور دادستان کل زندانی شد، در دوران وزارت آقای اردلان، به سمت مشاور وزیر مشغول بکار شد. **حسن امامی،** آجودان شاه مخلوع، بعنوان مشاور بانک تعاون



گوشه‌ای از مراسم یاد بود شهدای ۱۶ آذر در شیراز

برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر در شیراز

عضو هیئت تحریریه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، که در این مراسم شرکت داشت سخنرانی نمود. رفیق قائم‌پناه در این سخنرانی علل و عوامل کودتای ۲۸ مرداد، برقراری سلطه دربار و امپریالیسم آمریکا، چگونگی حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و یورش نظامیان حکومت کودتا به دانشگاه رامورد تحلیل داد. رفیق قائم‌پناه ضمن تشریح جریان رشد و تداوم جنبش دانشجویی طی ۲۵ سال گذشته و نوسانات و افت‌وخیزهای این جنبش در این دوره، از نقش



رفیق حسن قائم‌پناه در حال سخنرانی

تحلیلی از جنبش دانشجویی در ایران طی ۲۵ سال گذشته بعمل آمد و وظایف خطیر جنبش دانشجویی در شرایط کنونی پیشروی روند انقلاب عظیم مردم ما و ویژه بیکار سرنوشته علیه امپریالیسم جهانی، پس کردگی امپریالیسم آمریکا در محنت تداوم و به نمرساندن انقلاب یادآوری کردید.

از جانب سازمان ایالتی حزب توده ایران در شیراز، کانون دانش آموزان شیراز، تشکیلات دمکراتیک زنان شیراز، اعضای و هواداران حزب توده ایران در شهرستان‌های استان فارس پیام‌هایی فراتر کردید. سپس قطعه شعر «آمریکا، آمریکا - سرود» سیاوش کسری و شعر دیگری سروده یکی از اعضای سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات، تحت عنوان «اتحاد - مبارزه - پیروزی» فراتر شد.

آنگاه رفیق حسن قائم‌پناه در آن دوره بود. در این سخنرانی تاکید شد که امروز نیز همانطور که حزب توده ایران همه نیروهای ضد امپریالیستی را فرا میخواند ایجاد جبهه متحد خلق برای انجام رساندن موفقیت آمیز مبارزه ضد امپریالیستی و پیشبرد روند انقلاب شکوهمند از مسائل حاد و مرمی بشمارد.

سپس دانشجویان مهرداد بخش‌زاد نماینده سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که از جانب سازمان مرکزی جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در این مراسم شرکت نموده بود، سخنرانی کرد. در این سخنرانی

روز شانزدهم آذر از جانب سازمان حزب توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شیراز، در زمین چمن دانشگاه شیراز، مراسم بزرگداشت خاطره شهدای ۱۶ آذر - شریعت رضوی، بزرگ‌نیا و قندچی برگزار گردید.

این مراسم در ساعت ۱۰ صبح در زمین چمن دانشگاه شیراز آغاز گردید. در این مراسم، علاوه بر اعضاء و هواداران حزب توده ایران، اعضاء و هواداران سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شیراز، عده کثیری از اقشار مختلف اهالی شهر و جوانان و دانشجویان دانشگاه شیراز نیز حضور داشتند.

مراسم با سرود حزب توده ایران آغاز شد. سپس بنشانه بزرگداشت خاطره شهدای ۱۶ آذر یک دقیقه سکوت اعلام گردید. آنگاه یکی از مسئولین سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در شیراز، امون حادثه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ سخنرانی نمود. در این سخنرانی باین مطلب اشاره شد که شهادت سه دانشجوی توده‌ای و وطن‌فروش مصدق در حادثه شانزدهم آذر، نمودار برجسته‌ای از اتحاد عملی نیروهای ضد امپریالیستی در آن دوره بود. در این سخنرانی تاکید شد که امروز نیز همانطور که حزب توده ایران همه نیروهای ضد امپریالیستی را فرا میخواند ایجاد جبهه متحد خلق برای انجام رساندن موفقیت آمیز مبارزه ضد امپریالیستی و پیشبرد روند انقلاب شکوهمند از مسائل حاد و مرمی بشمارد.

پاسداران ضد خمینی در ستاد پاسداران سوم اسفند چه میکنند؟ یکی از رفقای جوان ما گزارش میدهد: «شب دوشنبه ۱۹ آذر، هنگامیکه مشغول نوشتن شمار، درود بر خمینی و دژنده یاد حزب توده ایران» بودم، سه پاسدار از یک اتوبیل جیب آهو پیاده شدند و شعار «ژنده یاد حزب توده ایران» را پاك كردند. وقتی به آنان که بنظر می رسید یکی دو نفرشان مشروب هم خورده‌اند گفتم، چرا چنین کاری میکنید، توده ایها که از امام خمینی طرفداری میکنند، آنها جواب دادند، ما با خمینی کاری نداریم.

من یکی از سه نفر پاسدار مسلح را شناختم. وی یکی از ناموران سابق ساواک بود که اغلب در کوچه خانه مهندس بازارگان کشیک میداد. مردم با هم باید تا یکدیگر کرد که سپاه پاسداران هم نیاز به پاکسازی دارد؟

اخبار کارگری

کارگران طرح کارخانه شیمیایی مرودشت حقوق و مزایای خود را می خواهند

کارگران شرکت شرفا خواستار رسیدگی به حقوق و مزایای هستند که به علت تعطیل کار شرکت به آنان تعلق نمیکرد. شرکت شرفا یکی از چندین شرکت موجود در طرح کارخانه شیمیایی مرودشت است که کارکنان و اسکنان کارخانه را انجام می‌داده است. این شرکت به کره جنوبی تعلق داشته و پیش از این در ازای ۱۲ ساعت کار روزانه، معادل ۸ ساعت حقوق به کارکنان پرداخت میکرد.

کارکنان ارج خواستار تصفیه عوامل وابسته بر رژیم سابق شدند

کارکنان شرکت ارج طی نامه‌ای به شورای اسلامی کارکنان ارج خواستار پاکسازی محیط کار از وابستگان به ساواک و رژیم مخلوع شده‌اند. این نامه که با عنوان «علما در خط امام قرار گیریم» شروع شده، خط امام را باین شرح توضیح می‌دهد: «خط امام خطی است انقلابی که انجام هدف‌هایش می‌تواند جوایب گوی خواستها و آرمان‌های طبقه زحمتکش باشد. محضی ضد امپریالیستی خط امام مسود پشتیبانی همه مستضعفین ایران است.»

به وضع انبارهای عمومی رسیدگی کنید

باین که طرز زعل کنونی انبارهای عمومی کاملاً به زیان مصرف کننده است، مهذاهنوز هم اقدام قاطعی برای رسیدگی به وضع انبارهای عمومی انجام نشده است. انباردارها، انبارها را به قیمت گزافی به تاجران اجاره میدهند و علاوه بر اجاره، حق انبار نیز دریافت میکنند. البته این مسئله ضرری متوجه تاجران نیست، زیرا آنها هر خرجی که بکنند روی قیمت کالاها میکشند، در نتیجه با ضرر نهائی متوجه مصرف کنندگان میشود. این انبارها اغلب بین ۱۵ تا ۲۰ کارگر با بردارند که دستزد آنها بسیار کم است. این کارگران اینهمه و بهداشت بر خود دارند نیستند و در مقابل خطرات ناشی از کار هیچ وجه تا مین ندارند. انبارداران حتی ازدادن لباس کار دستکش به آنها خودداری میکنند.

آیات عظام خراسان، کرمانشاه و حوزة علمیه قم خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند

تلگرامهای آیات عظام به حضرت آیت الله شریعتی در تبریز، همچنان ادامه دارد. بدینا تلگرام‌های آیات عظام صفهان، جامعه روحانیت مبارز شیراز و نیز جامعه روحانیت مبارز جهرم، در پی آیات عظام خراسان نیز طی تلگرامی از حضرت آیت الله شریعتی در تبریز، خواستار انحلال این حزب شدند.

«دستور فرمایند که حزب خلق مسلمان که متأسفانه عوامل گوناگون ضد انقلاب عمیقاً در آن رخنه کرده‌اند، منحل شود. این تلگرام را آیات عظام سید کاظم مرعشی، ابوالحسن شیرازی و گروهی دیگر از آیات عظام خراسان امضاء کرده‌اند.

● علما و روحانیون کرمانشاه نیز در طی تلگرامی بحضور آیت الله شریعتی در تبریز، همین خواست را مطرح کرده و گفته‌اند: «در این موقع حساس که امپریالیسم خونخوار آمریکا برای درهم کوبیدن انقلاب اسلامی ما از هر گونه توطئه‌ای دریغ ننماید، اخبار نگران‌کننده‌ای... از آذربایجان واصل میشود...»

● مردم در انتظارند که از طرف حضرتعالی دستور صادر شود که حزب جمهوری خلق مسلمان... منحل شود. ● حوزة علمیه قم نیز در طی تحلیل‌هایی همین خواست را مطرح نمود و از آیت الله شریعتی در تبریز، خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شد.

● مردم با صدور قطعنامه‌ای خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند. در این قطعنامه اعلام شده است که حزب جمهوری خلق مسلمان به بهترین پناهگاه برای عناصر فاسد و ضد انقلاب تبدیل شده است و تقاضا شده است که هر چه زودتر منحل گردد. مردم خوی و بناب سپس «حمله به مؤسسات دولتی و رادیو تلویزیون تبریز را بشدت محکوم کرده» و خواستار «تصفیه ادارات دولتی از وجود عناصر ناپاک و ضد انقلاب» شدند.

مردم خوی و بناب خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند

پیرروزی طی تظاهراتی در شهرهای خوی و بناب در آذربایجان، مردم با صدور قطعنامه‌ای خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند. در این قطعنامه اعلام شده است که حزب جمهوری خلق مسلمان به بهترین پناهگاه برای عناصر فاسد و ضد انقلاب تبدیل شده است و تقاضا شده است که هر چه زودتر منحل گردد. مردم خوی و بناب سپس «حمله به مؤسسات دولتی و رادیو تلویزیون تبریز را بشدت محکوم کرده» و خواستار «تصفیه ادارات دولتی از وجود عناصر ناپاک و ضد انقلاب» شدند.

MARDOM No. 114 11 December 1979 Price: West - Germany 0.80 DM France 1.30 fr Austria 8 sch. England 20 P. Belgium 10 fr. Italy 350 L. USA 50 Cts.